

دینامیت، کمانچه، خودکار جادویی

قطعاتی برجامانده از درام

حیات فرهنگی ۱۳۸۰-۱۲۸۰

کامران سپهران

www.ketab.ir

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : دینامیت، کمانچه، خودکار جادویی: قطعاتی برجامانده از درام حیات فرهنگی ۱۳۸۰-۱۳۸۰/ نویسنده کامران سپهران.
- مشخصات نشر : تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۲.
- مشخصات ظاهری : ۲۵۴ص.
- فروست : انتشارات شیرازه کتاب ما. جامعه و سیاست؛ ۲۷.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۲۲-۵۳۴۶-۳۴-۵
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : کتابنامه:ص. [۲۳۷]-۲۴۳.
- یادداشت : نمایه.
- موضوع : سیاست فرهنگی -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۸۰-۱۲۸۰
Cultural policy -- Iran -- History -- 1901 - 2001
مسائل اجتماعی -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۸۰-۱۲۸۰
Social problems -- Iran -- History -- 1901 - 2001
داستان‌های تاریخی -- تاریخ و نقد
Historical Fiction -- History and Criticism
داستان‌های فارسی -- قرن ۱۳ق. - ۱۴ -- تاریخ و نقد
Persian Fiction 19 - 20th Century -- History and Criticism
هنر و اجتماع -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق. - ۱۴
Art and Society -- Iran -- History -- 19 - 20th Centuries
فمایش و جامعه -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق. - ۱۴
Theater and Society -- Iran -- History -- 13th- 14th Centuries
- رده بندی کنگره : DS۳۱۵
رده بندی دیویی : ۸۴۴۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۷۷۹۹۰



دینامیت، کمانچه، خودکار جادویی

قطعاتی برجامانده از درام

حیات فرهنگی ۱۳۸۰-۱۴۸۰

نویسنده: کامران سپهران

(عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

انتشارات: شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

چاپ: پردیس دانش

چاپ اول: بهمن ۱۴۰۲

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	پیشگفتار
۱۵	۱. ترجمه در خدمت «پولیتیک امروز»: ملی‌گرای سوری، دینامیت و مشروطه
۴۵	۲. یحیی میرزا اسکندری در میانه غوغای مشروطه از هروسی مهرانگیز می‌گوید
۵۳	۳. سینما و تئاتر در ترازوی مشروطه
۶۱	۴. نوای کمانچه جلیل محمدقلی‌زاده بر فراز نبردگاه قفقاز
۸۱	۵. خلخال ۱۳۰۰: مبدأ فراموش‌شده اوراسیاگرایی
۱۰۷	۶. سینمای جمهوری ۱۳۰۲
	۷. مسائل رمان خان‌گیلان یا چگونه شاگرد جادوگری باشیم که رمز شکستن طلسم را می‌داند
۱۱۹	
۱۳۳	۸. تندرکیا و نهیب جنبش ادبی
۱۴۹	۹. ناپهنگامی‌های تاریخی رمان دانی جان ناپلئون
۱۶۹	۱۰. پرگویی دلپذیر در کشاکش انقلاب و جنگ در دهه ۱۳۶۰
۱۸۱	۱۱. رمان ایران و جهانی‌شدن
	۱۲. دیوانسالاری و رمان خاموش‌خانه: ستیز یا سازش اجتماعی در میانه
۱۹۳	دهه ۱۳۷۰

۱۳. بازی ایران - دانمارک؛ از تادرشاه افشار تا اصغر فرهادی ۲۱۷

توضیح ۲۳۵

منابع و مأخذ ۲۳۷

فهرست اعلام ۲۴۵

یادداشت دبیر مجموعه

بندیکت اندرسن تاریخ‌نگار در مقدمه مقاله‌ای با عنوان «معمای زرد و قرمز» در باب منازعات دیرپا در تأیید از شیفتگی خود نسبت به شرلوک هولمز باهوش می‌نویسد که روزی به دستیار کم‌فروغش واتسون گفته بود زمانی که به دنبال راه‌حل مسئله‌ای می‌گردد نباید به آنچه می‌بیند نگاه کند و در عوض باید نگاهش را به سمت آنچه که نمی‌بیند برگرداند. اندرسن می‌نویسد که او نیز پیرو همین رهنمود کاراگاه هولمز مصمم شد که زمانی که به مرتبه استادی تاریخ رسید اولین چیزی که به شاگردانش بگوید آن باشد که «به آنچه در مقابل‌تان است بنگرید و به این بیندیشید که چه چیزی کم است. در این لحظه است که اتفاقات خوشی شروع به افتادن خواهند کرد».^۱ ما نمی‌دانیم که واتسون کم‌فروغ نصیحت کاراگاه را چگونه به کار گرفت یا اصولاً چه درکی از این رهنمود داشت. اما می‌توانیم حدس بزنیم که شاگردان استاد احتمالاً به چه سازوکارهای برای پیروی از راهنمایی استادشان اندیشیدند. به احتمال زیاد برداشت این شاگردان آن نبود که استادشان به نظریه توطئه اعتقاد دارد، نظریه‌ای که باعث رویگردانی تاریخ‌نگار یا تحلیل‌گر سیاسی و اجتماعی از اصل موضوع و گشتن به دنبال «عوامل و عناصر اصلی»ی است که از چشم ناظر

1. Benedict Anderson, "Riddles of Yellow and Red", *New Left Review*, 97, Jan/Feb 2016, <https://newleftreview.org/issues/ii97/articles/benedict-anderson-riddles-of-yellow-and-red#note-1>

ساده لوح پنهان می‌مانند. شاگردان، به احتمالی به تاریخ‌نگاری فرضیه‌محور اندیشیدند که در آن، نقش فلان نیروی اجتماعی یا بهمان طبقه اقتصادی یا اتفاقی مانند جنگ یا قحطی عواملی تعیین‌کننده تاریخ تلقی می‌شوند و نگارش، تفسیر و تأویل هر تاریخی منوط به جستجوی این گروه‌ها یا آن وقایع است و وظیفه هر تاریخ‌نگاری کشف آنها، حتی اگر در نگاه به یک جامعه مشخص قابل رؤیت نباشند. شاید هم این شاگردان به لزوم رویکرد به تاریخ‌نگاری تطبیقی اندیشیدند. تاریخ‌نگاری‌ای که معنایش برای تاریخ‌نگاری «کشورهای در حال توسعه» به این معنا بوده‌است که عوامل مؤثر در تکوین تاریخ غرب را شناسایی کرده و با نکته‌سنجی کارآگاه‌مآبانه به دنبال همان عوامل در جوامع خود باشد.

اندرسن البته خود به راه دیگری رفت: راه کشف تقلب در تاریخ. تقلب طبقات فرادست برای نگارش تاریخ به نحوی که این تاریخ منافع آنان را تثبیت کند. اینگونه بود که وی از جمله به این نتیجه رسید که آن نیروی انضمامی‌ای که به قول همشهری‌اش آیزا برلین «تنها چیزی بود که در سراسر قرن نوزدهم در اروپا غلبه داشت و چندان فراگیر و نافذ بود و چندان آشنا که تنها با یک تلاش آگاهانه قوه تخیل ممکن بود کسی بتواند جهانی را که او در آن نقش نداشت تصور کند»^۱، یعنی ملی‌گرایی را حاصل جانداختن متقلبان برخی آداب و رسوم پیش‌پاافتاده و قصه‌های شاه‌پریانی بداند که در مقام چسب جماعت‌هایی ایفای نقش می‌کنند که از همین رو استاد آنها را تخیلی یا تصویری می‌نامید.^۲ جماعت‌هایی که از طریق این تقلب‌های تاریخی از زیر یوغ یک نیروی اجتماعی فرادست خلاص شدند تا گرفتار نیروی دیگری شوند که این تقلب را سامان داد.

اینک اگر بخواهیم برای تکمیل دانش خود در حوزه تاریخ‌نگاری از نگاه کردن به آنچه پیش روی‌مان است یعنی به عنوان مثال اسناد تاریخی و خاطرات اشخاصی که در زمان وقوع رویدادها خود شاهد رخدادها بوده‌اند اکتفا نکنیم یعنی به نصایح کارآگاه گوش فرادهیم و رهنمودهای استاد را مطمحن نظر قرار دهیم، قاعدتاً باید

1. Isaiah Berlin, "Nationalism, Past Neglected and Present Power", in Isaiah Berlin, *Against the Current, Essays in History of Ideas*, The Viking Press, New York (1959) 1979, p. 337.

۲. بندیکت آندرسن، جماعت‌های تصویری [تأملی در باب نخستگاه و گسترش ملی‌گرایی]، ترجمه محمد محمدی، رخداد نو، تهران، ۱۳۹۳.

راه‌های دیگری جز گرفتار شدن در تاریخ‌نگاری نظریه‌محور و تاریخ‌نگاری اروپامحور یا در نظر گرفتن توده‌های مردم همچون منفعلان کم‌فروغ وجود داشته باشند. مجموعه مقالاتی که در اینجا گرد آمده‌اند با هدف یافتن این راه‌های دیگر از طریق بازخوانی و اندیشیدن به قطعاتی فرهنگی است که خواه در شکل رمان یا تئاتر و سینما و خواه در مقام نقد ادبی، تاریخ معاصر ایران را همراهی کرده‌اند و بر وقایع آن به شکلی دراماتیک شهادت داده‌اند.

حاصل کار البته چیزی است فراتر از همراهی صرف یک دستیار کم‌فروغ با تاریخ‌نگار در مقام کارآگاه باهوش؛ دستکاری که گه‌گداری ممکن است دست بر قضا و خواسته یا ناخواسته نگاهش به سمتی برود و چیزی را ببیند که از چشم ناظران پُرفروغ پنهان مانده باشد. حاصل کار تأکید بر لزوم و اهمیت گسترش شعاع دید تاریخ‌نگار است یا همان لزوم بازاندیشی به جغرافیای تاریخ‌نگاری. گسترشی که هم امکان ادغام زندگی روزمره مردم عادی را در تاریخ‌نگاری بدهد و هم اقلیم‌شناسی و جغرافیا را و هم نهایتاً توجهاتی که ذیل مطالعات اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند.

مراد تقفی